

تحلیل عوامل اثرگذار بر توان‌مندسازی زنان روستایی دریافت‌کننده اعتبارات خرد در شهرستان نهاوند

مرضیه فراشی^۱، مهدی رحیمیان^{۲*} و سعید غلامرضایی^۳

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۲۴ صص ۹۷-۱۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۷

چکیده

هدف از انجام تحقیق حاضر شناخت عوامل تأثیرگذار بر توان‌مندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان دریافت‌کننده اعتبارات خرد در شهرستان نهاوند و تعیین میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرها بر میزان توان‌مندی آنان می‌باشد. تحقیق مذکور از نوع مطالعات پیمایشی و ابزار مورد استفاده‌ی گردآوری اطلاعات، پرسش‌نامه بود. جامعه آماری زنان دریافت‌کننده وام‌های خرد شهرستان نهاوند، در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳، می‌باشند (N= 200). حجم نمونه بر اساس جدول کرجسی و مورگان ۱۳۰ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای با انتساب متناسب انجام شد. پایایی و روایی پرسش‌نامه، به ترتیب با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و روش اعتبار محتوایی مورد تأیید قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS انجام شد. طبق نتایج آمار توصیفی ۵۵/۴ درصد، علی‌رغم دریافت وام، خانه‌دار و بدون شغل بودند. بر اساس نتایج تحلیل مسیر متغیرهای اثرگذار بر توان‌مندسازی زنان به ترتیب عبارتند از: نگرش افراد نسبت به اعتبارات خرد، میزان نظارت نهاد پرداخت‌کننده اعتبار بر نحوه مصرف وام، میزان مصرف وام در فعالیت‌های توان‌مندسازی، آموزش نهاد پرداخت‌کننده در خصوص مصرف اعتبار و مبلغ کل وام دریافتی.

واژه‌های کلیدی: زنان، اعتبارات خرد، توان‌مندی، تحلیل مسیر، نهاوند.

۱- دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد گروه توسعه روستایی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

۲- استادیار گروه توسعه روستایی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

۳- استادیار گروه توسعه روستایی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

*- نویسنده مسئول مقاله: rahimian.m@lu.ac.ir

مقدمه

بر اساس گزارش بانک جهانی در آغاز هزاره‌ی سوم، بیش از یک میلیارد نفر از جمعیت دنیا کمتر از یک دلار در روز و حدود ۳ میلیارد نفر یعنی تقریباً نیمی از جمعیت جهان، درآمد کمتر از ۲ دلار در روز داشته (World bank, 2003) و در فقر به‌سر می‌برند. هم‌چنین یک سوم از کودکان جهان از سوء تغذیه رنج برده و ۶۴۰ میلیون انسان هم بدون سرپناه زندگی می‌کنند (Veltmeyer, 2010). مطالعات نشان می‌دهد که زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند. از آن‌جایی که به‌طور سنتی زنان به حاشیه رانده شده و تحت کنترل مردان قرار دارند، حدود ۷۰ درصد از زنان جهان فقیر می‌باشند (Khan & Noreen, 2012). عدم دسترسی زنان روستایی به عوامل تولید شامل زمین، اعتبار و خدمات توسعه‌ای و ترویجی از مهم‌ترین مسائلی است که سبب می‌شود زنان قشر بیش‌تری از فقیران روستایی را تشکیل دهند.

نگرانی از پیوستن جمعی از زنان به گروه «فقیرترین فقرا» سبب طرح رویکردهای متفاوتی از جمله توان‌مندسازی^۱ زنان شده است، به‌گونه‌ای که سازمان ملل توان‌مندسازی زنان در سطح گسترده را به‌عنوان یکی از اهداف کلیدی اعلامیه‌ی هزاره‌ی سوم اعلام کرده است (Khan & Bibi, 2011). با توجه به این‌که زنان قربانیان اصلی در مواردی چون فقر، خشونت، عدم برخورداری از تغذیه و بهداشت مناسب هستند، توجه به بهبود موقعیت زنان نفع همگانی را در بر دارد (Kaldi & Salahshori, 2012).

توان‌مندسازی اصطلاح و مفهوم جدیدی نیست (Sinha et al., 2012)، اما هنوز هم فاقد یک تعریف روشن است (Hennink et al., 2012). مفهوم توان‌مندسازی، نخستین بار در دهه‌ی ۱۹۸۰ ارائه گردید. این مفهوم بیش‌تر به‌قادر ساختن افراد به حل مشکلات، برخورداری از شایستگی‌های مورد نیاز برای انجام فعالیت‌های شغلی، افزایش اعتماد و ارتقای عزت نفس اشاره دارد (Rehman et al., 2015). به عبارت دیگر توان‌مندسازی به‌معنای داشتن آگاهی و اعتماد به‌نفس برای رسیدن به اهداف و توانایی برای به‌اشتراک گذاشتن دانش و آگاهی با جامعه بزرگتر است (Mara & jani, 2014). در واقع به‌معنی تشویق افراد برای مشارکت بیش‌تر در تصمیم‌گیری‌هایی است که بر فعالیت آن‌ها مؤثر است (Evans, 2010). توان‌مندسازی زنان یکی از مباحثی است که به‌تازگی توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است و به‌معنی قدرت بخشیدن به این قشر از جامعه برای ایفای نقش برجسته در توسعه و مشارکت فعال آن‌هاست (Gholmohammadi, 2010). فرآیندی که توسط آن، زنانی که توانایی انتخاب زندگی راهبردی را دارند، اما از آن محروم شده‌اند قابلیت به‌دست آوردن آن زندگی را به‌دست می‌آورند (Swain,

2007). تواناسازی یک مسأله توسعه‌ای است؛ به‌گونه‌ای که زنانی که توانا می‌شوند، قادر به عمل کردن در جنبه‌های گسترده‌تری هستند و نقش فعال‌تری در تمامی جنبه‌ها برای تغییر در راه‌های گوناگون ایفا می‌کنند (Zmany Myandshty et al, 2012). توان‌مندسازی مفهومی چند بعدی است که در منابع مختلف معادل‌های متفاوتی از قبیل توان‌مندی و توان‌افزایی به خود گرفته و دارای ابعاد چندگانه است. از جمله این جنبه‌ها می‌توان به توان‌مندی اجتماعی^۱، شبکه شدن، توان‌مندی جمعی، توان‌مندی سیاسی، توان‌مندی اقتصادی، و غیره اشاره کرد (Shadi Talab, 2002؛ Elycher, 2010؛ Shakouri et al., 2007). توان‌مندسازی دارای ابعاد مختلفی از جمله ابعاد اجتماعی، فردی و روان‌شناختی، حقوق و قانونی و اقتصادی است (Ashburn & Warner, 2010). مانیکوندا، توان‌مندسازی را شامل ابعاد بهداشتی، آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و توان‌مندی سیاسی می‌داند (Manikonda, 2014). در مطالعه‌ای دیگر که توسط مال‌هترا و همکارانش، انجام شد، ابعاد توان‌مندسازی به شش دسته‌ی اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، قانونی و روان‌شناختی تقسیم‌بندی شده است (Malhotra et al., 2002).

عوامل متعددی در توان‌مندسازی فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیرگذار است. عوامل فردی مؤثر بر توان‌مندسازی، مواردی همانند سن، تحصیلات و سابقه‌ی کار و عوامل اجتماعی، مواردی همچون شرکت در جلسات و تشکل‌ها، بهره‌مندی از آموزش، دسترسی به منابع و امکانات، ارتباطات و مشارکت در محیط کار را می‌توان نام برد (Dimitriades, 2009؛ Ziaei et al., 2008).

در این بین، اعتبارات خرد^۲ قابلیت‌ها و ارزش‌های خود در نقش ابزاری مؤثر در مبارزه با فقر و گرسنگی و افزایش توان‌مندی زنان را اثبات کرده است (Weber & Ahmad, 2014; Deininger & Liu, 2013). در واقع اعتبارات خرد در اشکال وام‌های کوچک، حساب‌های پس‌انداز و ارائه‌ی انواع خدمات مالی و بانکی، خانواده‌های کم درآمد و فقیر را به افزایش درآمدشان امیدوار ساخته است به‌گونه‌ای که آن‌ها می‌توانند سطح زندگی کنونی خویش را بهبود بخشند و برای تغذیه، مسکن و آموزش فرزندان خود سرمایه‌گذاری نمایند؛ به‌طوری‌که دستیابی به این شرایط در زمره‌ی اصلی‌ترین اهداف برنامه هزاره سوم، یعنی ریشه‌کنی فقر مطلق از جوامع بشری است (Azkia & Imani, 2005). لازم به یادآوری است که مهم‌ترین مرحله‌ی توان‌مندسازی، نقطه‌ی شروع آن است. این نقطه در درون افراد قرار دارد (Shadlou, 2000). برای حرکت در چارچوب توسعه، به‌ویژه در خصوص منابع انسانی توان‌مند، ابتدا باید از تغییرات فکری و نگرشی فرد آغاز کرد (Riahi, 2006). ترویج و آموزش به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر توان‌مندسازی زنان، وسیله‌ای مهم و غیرقابل چشم‌پوشی برای ایجاد تغییرات داوطلبانه در افراد است (Roling & Engel, 1992).

1 - Social Empowerment

2 - Microcredit

در دهه‌ی گذشته در ایران و از جمله در شهرستان نهاوند واقع در استان همدان، مؤسسات مالی و اعتباری، وام‌های کوچک خود را با هدف ایجاد اشتغال و توان‌مندی اقتصادی^۱ و اجتماعی زنان فقیر به این گروه از اقشار آسیب‌پذیر جامعه پرداخت کرده‌اند. اعتبارات پرداختی تا حدودی توانسته است از طریق ایجاد مشاغل کوچک و زودبازده مانند قالی‌بافی، خیاطی، فعالیت‌های هنری، کشت زعفران و گیاهان دارویی، پرورش قارچ، پرورش دام، طیور، زنبورداری، بوقلمون و مغازه‌داری برای زنان دریافت‌کننده وام و حتی خانواده‌های آنان، کسب درآمد و ایجاد اشتغال نمایند و از این طریق زمینه برای توان‌مندی آنان فراهم شود. سؤالی که ممکن است در این زمینه مطرح شود این است که توان‌مندسازی زنان دریافت‌کننده اعتبارات خرد، متأثر از چه عوامل و متغیرهایی می‌تواند باشد؟ آیا آموزش زنان توسط نهادهای پرداخت‌کننده، منجر به توان‌مندی بیش‌تر زنان خواهد شد؟ نظارت این نهادها بر نحوه مصرف اعتبارات تا چه حد می‌تواند به استفاده‌ی بهتر زنان از وام و توان‌مندی بیش‌تر آنان کمک نماید؟ نگرش افراد نسبت به اعتبارات چه ارتباطی با توان‌مندی زنان خواهد داشت؟ پژوهش حاضر برای پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی از این دست و با هدف تحلیل عوامل اثرگذار بر توان‌مندسازی زنان دریافت‌کننده اعتبارات خرد روستایی در شهرستان نهاوند انجام شده است.

تحقیقات مختلفی در رابطه با عوامل اثرگذار بر توان‌مندسازی زنان انجام شده است. به باور رانی و همکاران مشاغل کوچک و برنامه‌های زودبازده هم موجب توان‌مندسازی اقتصادی و هم توان‌مندسازی اجتماعی زنان روستایی می‌شوند (Rani et al., 2013). نتایج پژوهش چرمچیان‌لنگرودی، نشان داد که چهار عامل منابع وام‌گیری، راهکارها (عوامل مثبت)، روش‌های آموزشی و موانع با توان‌مندسازی افراد دریافت‌کننده اعتبار رابطه داشته است (Charmchian & Ali Beigi, 2013). قلی‌پور و رحیمیان در پژوهش خود با عنوان «رابطه‌ی عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی با توان‌مندسازی زنان سرپرست خانوار»، به این نتیجه رسیدند که آموزش در زمینه‌ی طرح‌های خود اشتغالی با توان‌مندی زنان سرپرست خانوار، رابطه‌ی معناداری دارد (Gholipour and Rahimian, 2009).

آلسوپ و همکاران در پژوهش خود به به این نتیجه رسیدند که شاخص‌هایی که به‌طور مستقیم توان‌مندسازی را می‌سنجد، شامل توانایی دسترسی افراد به نهادهای تولیدی، دسترسی و استفاده از اعتبارات رسمی یا غیررسمی، دسترسی به زیرساخت‌ها، دسترسی به اطلاعات، تأثیر و توانایی کنترل انتخاب‌های مهم زندگی و شرکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی است (Alsop et al., 2009).

2005). فلمینگ در پژوهش خود تحت عنوان تقویت نوسانی توان‌مندسازی به این نتیجه رسید که آموزش افراد رکن اساسی در فرایند توان‌مندسازی است (Felming, 2000).

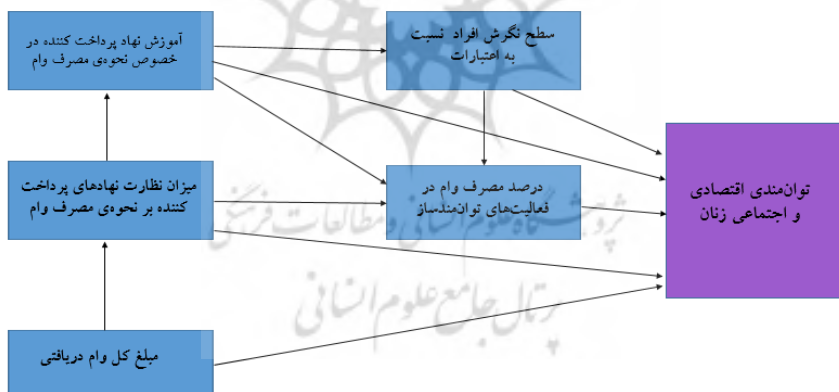
نتایج پژوهش توفیقیان‌فر، رابطه‌ی توان‌مندسازی زنان سرپرست خانوار عضو کمیته امداد با متغیرهای میزان خدمات و رفاهی و مالی دریافتی از کمیته امداد، خدمات آموزشی، فنی و مشاوره‌ای دریافتی از کمیته امداد، مقدار شعاع حمایتی کمیته امداد از زنان و بعد خانوار مستقیم و معنی‌دار و با متغیرهای سن و میزان طرد اجتماعی زنان معکوس و معنی‌دار است (Tofighianfar et al., 2016). حیدری‌ساربان و همکاران بر این باورند که اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و انسجام اجتماعی به عنوان مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی هر سه رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری با توان‌مندسازی زنان روستایی دارند. طبق نتایج این تحقیق این سه متغیر ۴۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی توان‌مندسازی زنان را تبیین نموده‌اند (Heidari Sarban et al., 2016). یافته‌های پژوهش افشانی و فتاحی نشان داد که متغیرهای سطح تحصیلات، وسایل ارتباط جمعی، حمایت اجتماعی، سلامت عمومی و تغذیه رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری با توان‌مندسازی زنان سرپرست خانوار دارند (Afshani & Fatehi, 2016).

هم‌چنین مطابق نتایج تحقیق قدیری معصوم و احمدی به منظور موفقیت صندوق‌های اعتبارات خرد در زمینه‌ی توان‌مندسازی زنان روستایی، افزایش مبالغ وام‌ها، شناسایی خیرین و کمک گرفتن از آن‌ها، برگزاری نشست‌های توجیهی، برگزاری کارگاه‌های کارآفرینی و بازدید از صندوق‌های موفق توصیه می‌شود (Ghadiri Masoom & Ahmadi, 2015). چرمچیان‌لنگرودی و علی‌بیگی در تحقیق خود چنین نتیجه گرفتند که میزان ارتباطات زنان، میزان وام دریافتی از منابع گوناگون، مفید بودن روش‌ها و رهیافت‌های آموزشی ترویجی در ارائه‌ی آموزش به زنان، میزان مطالعه‌ی نشریات و روزنامه توسط زنان و میزان استفاده‌ی آنان از اینترنت، ارتباط مستقیم و معنی‌داری با توان‌مندسازی روان‌شناختی زنان روستایی شهر ساری دارند (Charmchian Langroudi & Ali Beigi, 2013). فواندی و همکاران در بررسی عوامل تأثیرگذار بر موفقیت صندوق اعتبارات خرد زنان روستایی نشان دادند که متغیرهای میزان استفاده از مجراهای ارتباطی، میزان تسهیلات اعطایی، میزان رضایت از صندوق و دفعات جلسات آموزشی برگزار شده در زمینه‌ی فعالیت‌های صندوق بیش‌ترین سهم را در تغییرات متغیر میزان موفقیت صندوق را دارند (Favaedi et al. 2013).

در تحقیقی که توسط کتابی و همکاران بر روی عوامل مؤثر بر توان‌مندسازی زنان صورت گرفت، نشان داده شد که افزایش سطح تحصیلات، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی در افزایش توان‌مندی زنان نقش مؤثر دارد. از میان این متغیرها، افزایش سطح تحصیلات بیش‌ترین تأثیر مستقیم و سایر متغیرها تأثیر غیر

مستقیم در توان‌مندسازی دارند. زنان دارای تحصیلات بالا از نظر بنیه‌ی مالی و حق مالکیت در سطح بالاتری قرار دارند (Ketebi et al., 2003).

پس از بررسی تعاریف، ابعاد، الگوها و تئوری‌های مربوط به توان‌مندسازی زنان و همچنین مرور مطالعات صورت گرفته در زمینه‌ی عوامل مؤثر بر توان‌مندسازی زنان، چارچوب مفهومی تحقیق به صورتی که در شکل (۱)، ارائه شده، طراحی گردید. بر اساس این مدل، متغیرهای مبلغ وام، نظارت نهادهای پرداخت‌کننده، آموزش توسط نهادهای پرداخت‌کننده و نگرش افراد نسبت به اعتبارات علاوه بر این که دارای اثرات مستقیم بر توان‌مندی اقتصادی-اجتماعی زنان روستایی هستند، به‌طور غیرمستقیم نیز بر این متغیر اثرگذارند. به‌عنوان نمونه، متغیر میزان نظارت نهادهای پرداخت‌کننده بر نحوه‌ی مصرف اعتبار علاوه بر این که دارای اثر مستقیم بر توان‌مندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان است با تأثیری که بر میزان مصرف وام در فعالیت‌های توان‌مندساز می‌گذارد به‌طور غیرمستقیم بر توان‌مندی اقتصادی و اجتماعی زنان تأثیرگذار است. سایر اثرات غیرمستقیم با توجه به فلش‌های رسم شده در شکل (۱)، قابل مشاهده است. هم‌چنین متغیر درصد مصرف وام در فعالیت‌های توان‌مندساز فقط به‌طور مستقیم بر متغیر وابسته اثر می‌گذارد.



شکل ۱- چارچوب مفهومی تحقیق

فرضیه‌های پژوهش

بر مبنای چارچوب مفهومی ارائه شده، فرضیات تحقیق را می‌توان به صورت زیر ارائه نمود:

- ۱- بین متغیر آموزش نهادهای پرداخت کننده در خصوص نحوه مصرف وام و توانمندی زنان روستایی ارتباط معنی داری وجود دارد.
- ۲- بین متغیر میزان نظارت نهادهای پرداخت کننده اعتبار و سطح توانمندی زنان روستایی، ارتباط معنی داری وجود دارد.
- ۳- بین متغیر میزان وام دریافتی توسط زنان روستایی و سطح توانمندی آنان ارتباط معنی داری وجود دارد.
- ۴- بین متغیر نگرش زنان روستایی دریافت کننده وام نسبت به اعتبارات و سطح توانمندی آنان ارتباط معنی داری وجود دارد.
- ۵- بین درصد مصرف وام در فعالیتهای توانمندساز و سطح توانمندی زنان روستایی ارتباط معنی داری وجود دارد.

روش پژوهش و ابزار پژوهش

از نظر موقعیت جغرافیایی، شهرستان نهاوند بین ۳۴ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۲ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۲۴ دقیقه طول شرقی قرار دارد. هم‌چنین از نظر موقعیت نسبی در منتهی‌الیه جنوب غربی استان همدان واقع شده است که از سمت جنوب و غرب، به ترتیب به استان‌های لرستان و کرمانشاه و از سوی شمال به شهرستان تویسرکان و از شرق نیز به شهرستان ملایر ختم می‌گردد.



شکل ۲- موقعیت جغرافیایی شهرستان نهاوند واقع در استان همدان

تحقیق مذکور از نظر هدف، کاربردی، از نظر جمع‌آوری اطلاعات، از نوع مطالعات پیمایشی و با توجه به تحلیل داده‌ها، از نوع مطالعات توصیفی-همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان روستایی شهرستان نهاوند می‌باشد که طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ از سازمان‌ها و نهادهای اعتباری، اعتبار خرد دریافت کرده‌اند. این افراد جمعاً ۲۰۰ نفر بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان ۱۲۷ نفر تعیین شد، که جهت دقت بیش‌تر و رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب، تعداد ۱۳۰ پرسش‌نامه در میان زنان روستایی دریافت‌کننده‌ی اعتبار توزیع و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای با انتساب متناسب انجام شد. بدین‌گونه که متناسب با تعداد دریافت‌کننده‌گان وام در هر بخش از شهرستان نهاوند، درصد انتخاب نمونه از هر بخش مشخص گردید (جدول ۲). سپس در هر بخش نمونه‌ها به‌طور تصادفی ساده انتخاب و اطلاعات لازم از آن‌ها کسب گردید.

جدول ۱- بخش‌های انتخاب شده در نمونه‌گیری، توزیع درصد و تعداد نمونه از حجم نمونه کل در هر بخش

ردیف	نام بخش	تعداد وام‌گیرندگان در هر بخش	درصد وام‌گیرندگان در هر بخش	درصد از کل نمونه	تعداد نمونه
۱	مرکزی	۶۸	۳۴	۳۴	۴۵
۲	خزل	۱۸	۶	۶	۸
۳	زرین دشت	۳۲	۱۶	۱۶	۲۲
۴	گیان	۵۲	۲۶	۲۶	۳۵
۵	برزول	۳۰	۱۵	۱۵	۲۰
	جمع	۲۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۳۰

ابزار مورد استفاده در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌های لازم، پرسش‌نامه محقق ساخته مشتمل بر بخش‌های زیر می‌باشد: ۱- اطلاعات دموگرافیک جامعه شامل سؤالاتی از قبیل سن، وضعیت درآمدی، سطح تحصیلات، تعداد اعضای خانوار، شغل؛ ۲- اطلاعات در خصوص اعتبار دریافتی مشتمل بر سؤالاتی از قبیل مبلغ کل اعتبار دریافتی، هدف از دریافت اعتبار، منبع دریافت اعتبار، زمینه‌های مصرف اعتبار؛ ۳- متغیرهای مستقل تحقیق شامل توان‌مندی اقتصادی (۱۲ گویه)، توان‌مندی اجتماعی (۱۹ گویه)، میزان فعالیت آموزشی و ترویجی سازمان پرداخت‌کننده اعتبار (۶ گویه)، در قالب طیف لیکرت بر روی یک دامنه‌ی شش قسمتی از صفر تا ۵ (اصلاً، خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) سنجیده شده است. متغیر نگرش نسبت به اعتبارات (۱۶ گویه)، نیز در قالب طیف لیکرت بر روی دامنه‌ی پنج قسمتی از ۱ تا ۵ (کاملاً مخالفم، مخالفم،

نظری ندارم، موافقم، کاملاً موافقم) مورد سنجش قرار گرفته است. هم‌چنین از مجموع توان‌مندی اقتصادی و توان‌مندی اجتماعی، توان‌مندی کل زنان محاسبه شده است. در این مطالعه، جهت حصول اطمینان از اعتبار یا روایی محتوایی پرسش‌نامه، سؤالات، گویه‌ها و طیف مورد استفاده به افراد صاحب نظر در رابطه با موضوع مورد مطالعه (اساتید رشته‌ی توسعه‌ی روستایی و کارشناسان جهادکشاورزی) ارائه گردید. در این مطالعه، پایایی پرسش‌نامه از طریق محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ برای ۳۰ پرسش‌نامه توزیع شده از طریق پیش‌آزمون در یک نمونه مقدماتی، به‌دست آمد مقدار آلفای کرونباخ به‌دست آمده برای تمامی مقیاس‌ها بیش‌تر از ۰/۷ به‌دست آمد. بنابراین پایایی پرسش‌نامه‌ها نیز از این طریق مورد تأیید قرار گرفت (جدول ۲).

جدول ۲- مقدار ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس‌های مورد مطالعه

مقیاس	تعداد گویه	مقدار آلفای کرونباخ
توان‌مندی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی	۳۱	۰/۹۷۶
نگرش زنان نسبت به اعتبارات خرد	۱۶	۰/۷۷۰
فعالیت آموزشی نهاد پرداخت‌کننده اعتبار	۶	۰/۸۰۶

مأخذ: یافته‌های تحقیق

برای تحلیل داده‌ها و دستیابی به اهداف مطالعه، از آمارهای توصیفی و استنباطی (تحلیل مسیر) در محیط نرم افزار SPSS20 استفاده شد. ضمن این‌که از رگرسیون به روش اینترا^۱ برای تعیین ضرایب مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم استفاده شد.

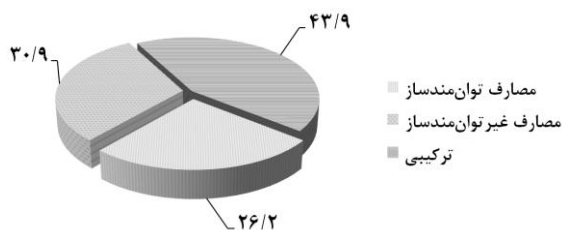
یافته های پژوهش

۱- یافته‌های توصیفی

بر اساس نتایج توصیفی به‌دست آمده، ۷۲ درصد زنان مورد مطالعه متأهل بودند. مابقی نیز به دلایل عدم ازدواج (۷/۷ درصد)، طلاق (۱۳/۸ درصد) و فوت همسر (۶/۵ درصد) مجرد بودند. دامنه‌ی سنی زنان بین ۲۶ تا ۷۰ و میانگین سنی آنان ۴۴/۴ سال بود. بیش‌تر این زنان (۴۲/۳ درصد) در گروه سنی ۴۰ تا ۵۰ سال قرار داشتند. دامنه‌ی تغییرات تعداد افراد خانوار پاسخ‌گویان بین ۱ تا ۱۲ نفر و میانگین آنان نیز، ۴/۲ نفر بود. از نظر سطح تحصیلات ۸/۵ درصد از زنان بی‌سواد بودند. سطح سواد ۲۰/۸ درصد آنان در حد خواندن و نوشتن بود. ۵۵/۴ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دیپلم بودند. ضمن این‌که ۱۵/۴ درصد زنان دارای مدارک دانشگاهی

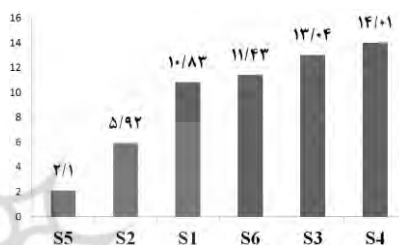
بودند. ۲۶/۲ درصد از کل زنان مورد مطالعه، سرپرست خانوار بودند. بیش از نیمی از پاسخ‌گویان (۵۵/۴ درصد) خانه‌دار و مابقی دارای مشاغل دامداری (۸/۵ درصد)، مغازه‌داری (۱۲/۳ درصد)، خیاطی (۶/۲ درصد)، کشاورزی (۹/۲ درصد) و قالی‌بافی (۸/۵ درصد) بودند. دامنه‌ی تغییرات درآمد شخصی زنان بین صفر تا ۳۰ میلیون تومان در سال و میانگین درآمد آنان نیز، حدود ۵ میلیون تومان در سال بود. حدود نیمی از زنان (۵۰/۸ درصد) هیچ درآمدی نداشتند. ۵۰ درصد از زنان مورد مطالعه تا به حال در هیچ دوره‌ی آموزشی در زمینه‌ی نحوه‌ی مصرف وام شرکت نکرده بودند. ۳۳/۸ درصد آنان ۱ دوره، ۸/۵ درصد ۲ دوره و ۷/۷ درصد نیز ۳ دوره آموزشی را در این خصوص گذرانده بودند. این کلاس‌ها در خصوص آموزش خیاطی، قالی‌بافی و گلیم‌بافی، مشاغل هنری و کشاورزی برگزار شده بودند. ۳۹/۲ درصد از زنان در هیچ‌کدام از انجمن‌ها و تشکل‌های روستایی عضو نبودند. ۳۵/۴ درصد آنان فقط در یک تشکل و ۲۵/۴ درصد نیز در دو و بیش‌تر از دو انجمن عضو بودند. ۵۶/۲ درصد پاسخ‌گویان تحت حمایت مالی هیچ نهاد و سازمانی نبودند. اما ۳۵/۴ درصد آنان تحت پوشش نهاد دولتی کمیته امداد و ۸/۵ درصد نیز تحت پوشش موسسات خیریه غیردولتی بودند. منبع دریافت اطلاع در مورد وام برای ۴۰/۸ درصد پاسخ‌گویان از طریق اقوام بود. ۲۴/۶ درصد از همسایگان، ۱۶/۲ درصد از فرزندان، ۶/۹ درصد از تلویزیون یا رادیو و ۱۱/۵ درصد نیز از دوستان در مورد وام اطلاع کسب کرده بودند. دامنه‌ی تغییرات مبلغ وام دریافتی پاسخ‌گویان بین ۱ تا ۲۰ میلیون تومان و میانگین آنان نیز، حدود ۶ میلیون تومان بود. هدف از دریافت وام ۲۳/۱ درصد از زنان، قالی‌بافی و گلیم‌بافی، ۲۱/۵ درصد دام‌داری، ۲۲/۳ درصد کشاورزی، ۱۶/۹ درصد مغازه‌داری و ۱۶/۲ درصد نیز خیاطی و چرم‌دوزی بود. باز پرداخت ۵۰/۸ درصد از وام‌های داده شده به زنان، بدون استراحت زمانی بود. اما ۴۹/۲ درصد دیگر وام‌ها تا زمان پرداخت اولین قسط دارای استراحت بودند.

بر اساس نتایج آمار توصیفی (شکل ۳)، ۲۶/۲ درصد از زنان کل مبلغ وام دریافتی را در مصارف توان‌مندساز و ۳۰/۹ درصد نیز کل وام را در مصارف غیرتوان‌مندساز خرج کرده بودند. هم‌چنین ۴۳/۹ درصد دیگر وام خود را هم در مصارف توان‌مندساز و هم مصارف غیرتوان‌مندساز خرج کرده بودند.



شکل ۳- توزیع پاسخ‌گویان بر حسب زمینه‌های مصرف اعتبار

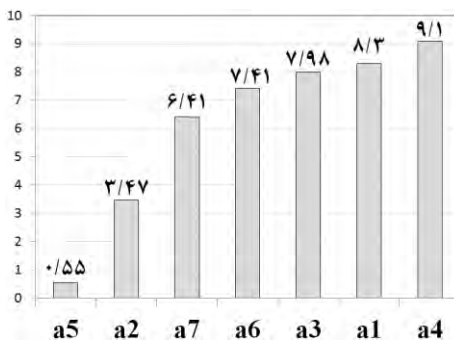
طبق نتایج، بیش‌ترین میانگین درصد مصرف وام در بین مصارف توان‌مندساز به ترتیب مربوط به ۱- پرورش دام، طیور، زنبورداری، بوقلمون، شیلات (۱۴/۰۱ درصد)؛ ۲- کشت زعفران، پرورش قارچ، کشت گیاهان دارویی، باغداری (۱۳/۰۴ درصد)؛ ۳- مغازه‌داری (۱۱/۴۳ درصد)؛ ۴- قالی‌بافی، خیاطی، فعالیت‌های هنری (۱۰/۸۳ درصد)؛ ۵- درمان و سلامت (۵/۹۲ درصد)؛ ۶- آموزش خود و فرزندان (۲/۱۰ درصد) بود (شکل ۴).



شکل ۴- توزیع پاسخ‌گویان بر حسب درصد مصرف وام در فعالیت‌های توان‌مندساز

بیش‌ترین میانگین درصد مصرف وام در بین مصارف غیرتوان‌مندساز به ترتیب مربوط به ۱- واگذار کردن اعتبار به همسر (۹/۱۰ درصد)؛ ۲- ازدواج فرزندان (۸/۳۰ درصد)؛ ۳- خرید لوازم منزل (۷/۹۸ درصد)؛ ۴- تعمیر یا ساخت مسکن (۷/۴۱ درصد)؛ ۵- خرید طلا (۶/۴۱ درصد)؛ ۶- سرمایه‌گذاری در بانک (۳/۴۷ درصد)؛ ۷- انجام سفرهای زیارتی (۰/۵۵ درصد) بود (شکل ۵).

- a_1 = ازدواج فرزندان
- a_2 = سرمایه‌گذاری در بانک
- a_3 = خرید لوازم منزل
- a_4 = واگذار کردن اعتبار به همسر
- a_5 = انجام سفرهای زیارتی
- a_6 = تعمیر یا ساخت مسکن
- a_7 = خرید طلا



شکل ۵- توزیع پاسخ‌گویان بر حسب درصد مصرف وام در فعالیت‌های غیرتوان‌مندساز

۱- نتایج آزمون‌های همبستگی

رابطه‌ی بین توان‌مندی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی با ویژگی‌های فردی آنان در این بخش، رابطه‌ی بین توان‌مندی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی با ویژگی‌های فردی زنان روستایی از طریق آزمون همبستگی پیرسون و اسپیرمن مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این آزمون‌ها در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- رابطه‌ی بین توان‌مندی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی با ویژگی‌های فردی زنان روستایی

متغیر اول	متغیر دوم	نوع آزمون	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری (Sig)
توان‌مندی اقتصادی و اجتماعی	سن	پیرسون	**۰/۳۰۲	۰/۰۰۱
	درآمد	پیرسون	**۰/۴۰۸	۰/۰۰۰
	تعداد افراد خانوار	پیرسون	n.s. ۰/۰۲۱	۰/۸۱۲
	سواد	اسپیرمن	**۰/۲۵۴	۰/۰۰۴

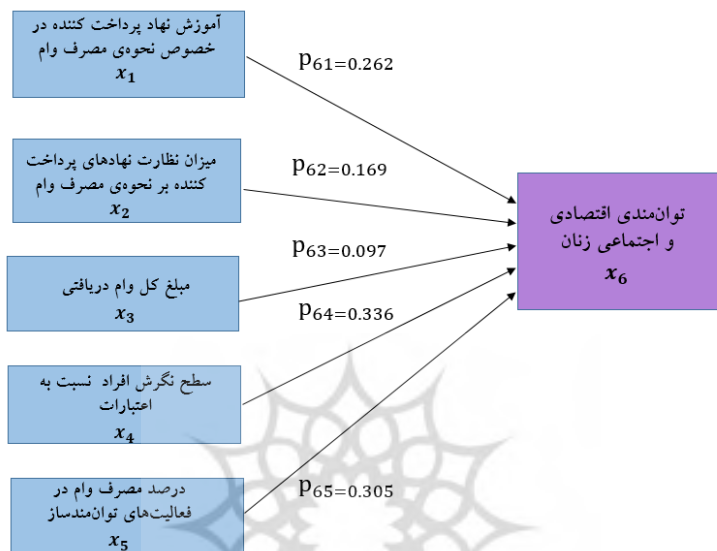
** معنی‌داری در سطح یک درصد n.s معنی‌داری نشدن

بر اساس نتایج به‌دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون، بین توان‌مندی زنان روستایی با متغیرهای سن و درآمد در سطح یک درصد (با احتمال ۹۹ درصد) مستقیم و معنی‌دار شده است. به عبارتی، هرچه میزان متغیرهای نام‌برده بیش‌تر شود، توان‌مندی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی نیز بیش‌تر می‌شود. از طرفی دیگر رابطه‌ی بین توان‌مندی زنان روستایی با تعداد افراد خانوار هیچ رابطه‌ای مشاهده نشد. هم‌چنین بر اساس نتایج به‌دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین توان‌مندی اقتصادی و اجتماعی زنان با میزان سواد زنان روستایی در سطح یک درصد معکوس و معنی‌دار شده است. به عبارتی، هر چه میزان سواد زنان روستایی بیش‌تر شود، از توان‌مندی زنان روستایی کاسته می‌شود.

۱- نتایج تحلیل مسیر

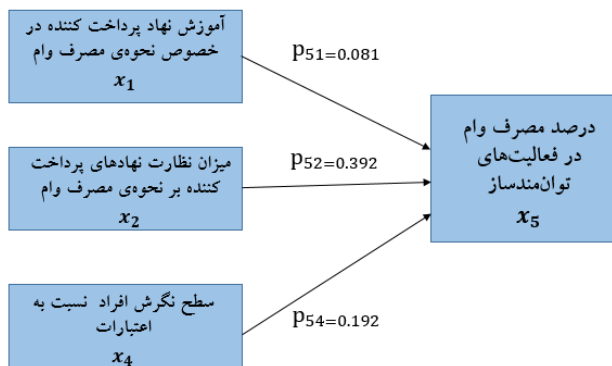
- مرحله‌ی اول: تعیین اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

در مرحله‌ی اول میزان اثرات مستقیم متغیرهای مستقل (x_1 تا x_5)، بر متغیر وابسته تحقیق (توان‌مندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان)، از طریق آزمون رگرسیون به روش Enter، تعیین گردید.



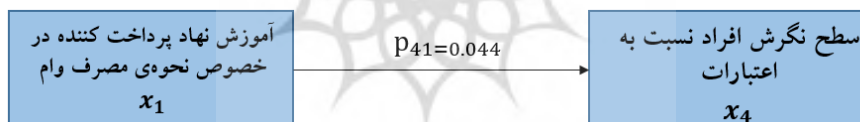
شکل ۶- تعیین اثرات مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

- مرحله‌ی دوم: تجزیه‌ی مسیرها برای تعیین اثرات غیر مستقیم
- در این مرحله، کلیه‌ی مسیرهایی که در آن‌ها متغیرهای مستقل تحقیق (x_1 تا x_5) حداقل از یک متغیر مستقل دیگر تأثیر می‌پذیرند تجزیه و میزان اثر غیر مستقیم آن‌ها از طریق رگرسیون به روش Enter محاسبه گردید.
- ۱- مسیر یک؛ تأثیر متغیرهای مستقل؛ ۱) آموزش نهاد پرداخت کننده-
ی اعتبار در خصوص نحوه‌ی مصرف وام؛ ۲) میزان نظارت نهادهای پرداخت کننده
بر نحوه‌ی مصرف وام و ۳) سطح نگرش افراد نسبت به اعتبارات (x_4, x_2, x_1) بر
متغیر میزان مصرف وام در فعالیت‌های توان‌مندساز



شکل ۷- میزان تأثیر متغیرهای (X_4 , X_2 , X_1) بر متغیر درصد مصرف وام در فعالیت‌های توان‌مندساز

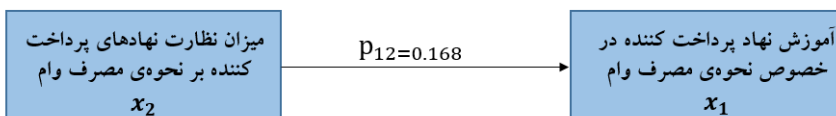
همان‌طور که در شکل (۷) مشاهده می‌شود، بر اساس نتایج به دست آمده، میزان تأثیر متغیرهای X_1 , X_2 , X_4 ، بر متغیر X_5 به ترتیب برابر $0/081$ ، $0/392$ ، $0/192$ می‌باشد. (۱) مسیر شماره دو؛ تأثیر متغیر مستقل آموزش نهاد پرداخت‌کننده‌ی اعتبار در خصوص نحوه‌ی مصرف وام بر متغیر نگرش افراد نسبت به اعتبارات دریافتی



شکل ۸- میزان تأثیر متغیر آموزش نحوه‌ی مصرف وام بر متغیر نگرش افراد نسبت به اعتبارات دریافتی

همان‌طور که در شکل (۸) مشاهده می‌شود، بر اساس نتایج به دست آمده، میزان تأثیر متغیر آموزش نهاد پرداخت‌کننده‌ی اعتبار در خصوص نحوه‌ی مصرف وام بر متغیر سطح نگرش افراد نسبت به اعتبارات دریافتی برابر $0/044$ می‌باشد.

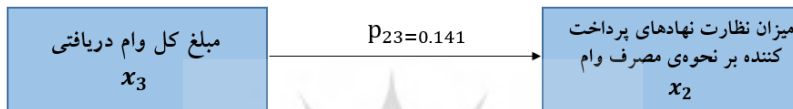
(۲) مسیر سوم؛ تأثیر متغیر مستقل میزان نظارت نهادهای پرداخت‌کننده‌ی اعتبار بر مصرف اعتبار بر متغیر آموزش نهاد پرداخت‌کننده در خصوص نحوه‌ی مصرف وام.



شکل ۹- میزان تأثیر متغیر میزان نظارت نهادهای پرداخت کنندهی اعتبار بر متغیر آموزش نحوهی مصرف وام

همان طور که در شکل ۹، مشاهده می شود، بر اساس نتایج به دست آمده، میزان تأثیر متغیر نظارت نهاد پرداخت کنندهی اعتبار بر نحوهی مصرف وام بر متغیر آموزش نهاد پرداخت کننده در خصوص نحوهی مصرف وام برابر ۰/۱۶۸ می باشد.

(۳) مسیر چهارم؛ تأثیر متغیر مستقل مبلغ کل وام دریافتی بر متغیر میزان نظارت نهادهای پرداخت کننده بر نحوهی مصرف وام

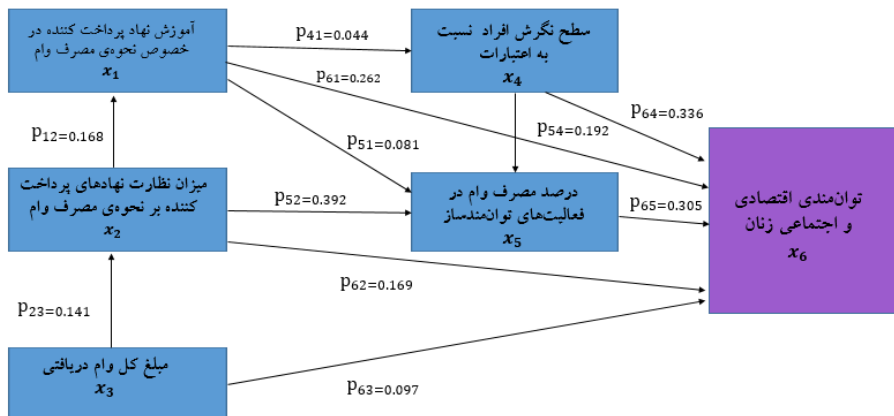


شکل ۱۰- میزان تأثیر متغیر مبلغ کل وام دریافتی بر متغیر میزان نظارت نهادهای پرداخت کننده بر نحوهی مصرف وام

همان طور که در شکل (۱۰) مشاهده می شود، بر اساس نتایج به دست آمده، میزان تأثیر متغیر مبلغ کل وام دریافتی بر متغیر میزان نظارت نهادهای پرداخت کنندهی اعتبار بر نحوهی مصرف وام برابر با ۰/۱۴۱ می باشد.

- مرحلهی سوم: ترکیب مسیرهای تجزیه شده

در این مرحله، کلیهی اثرات مستقیم و غیرمستقیم محاسبه شده بر توان مندی اقتصادی و اجتماعی زنان، بر اساس چارچوب مفهومی در شکل (۱۱) ارائه شده است.



شکل ۱۱- اثرات مستقیم و غیر مستقیم محاسبه شده‌ی متغیرهای مستقل بر توان‌مندی اقتصادی و اجتماعی زنان

- مرحله‌ی چهارم: محاسبه‌ی اثرات مستقیم، غیر مستقیم و مجموع اثرات متغیرهای مستقل (X_1 تا X_5)، بر متغیر وابسته‌ی تحقیق میزان توان‌مندسازی اقتصادی و اجتماعی
- در این مرحله با ضرب کردن ضرایب به‌دست آمده و از مسیرهای تجزیه شده در همدیگر مقدار اثرات مستقیم و غیرمستقیم به‌صورتی که در جدول (۴) ارائه شده، محاسبه گردید.

جدول ۴- مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم هر متغیر	اثرات غیرمستقیم	اثرات مستقیم	متغیر مستقل
۰/۳۰۲	۰/۰۴۰۵	۰/۲۶۲ *	X_1 - آموزش نهاد پرداخت‌کننده در خصوص مصرف اعتبار
۰/۳۳۸	۰/۱۶۹	۰/۱۶۹ *	X_2 - میزان نظارت نهاد پرداخت‌کننده اعتبار بر نحوه مصرف وام
۰/۱۴۳	۰/۰۴۶	n.s. ۰/۰۹۷	X_3 - مبلغ کل وام دریافتی
۰/۳۹۴	۰/۰۵۸	۰/۳۳۶ **	X_4 - سطح نگرش افراد نسبت به اعتبارات
۰/۳۰۵	---	**	X_5 - درصد مصرف وام در فعالیت توان‌مندساز

** معنی داری در سطح یک درصد * معنی داری در سطح پنج درصد
n.s معنی داری نشدن

در این بخش با توجه به نتایج حاصل از مجموع اثرات مستقیم هر متغیر بر متغیر وابسته‌ی تحقیق یعنی توان‌مندسازی اقتصادی و اجتماعی می‌توان نتایج آزمون فرضیات تحقیق را به صورت زیر بیان نمود:

تأیید فرضیه‌ی ۱: بین متغیر میزان آموزش نهاد پرداخت کننده در خصوص مصرف اعتبار و سطح توان‌مندی زنان روستایی ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

تأیید فرضیه‌ی ۲: بین متغیر میزان نظارت نهادهای پرداخت کننده اعتبار و سطح توان‌مندی زنان روستایی ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

رد فرضیه‌ی ۳: بین متغیر میزان وام دریافتی توسط زنان روستایی و سطح توان‌مندی آنان ارتباط معنی‌دار وجود ندارد.

تأیید فرضیه‌ی ۴: بین متغیر نگرش زنان روستایی دریافت کننده‌ی وام نسبت به اعتبارات و سطح توان‌مندی آنان ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

تأیید فرضیه‌ی ۵: بین درصد مصرف وام در فعالیت‌های توانمندساز و سطح توان‌مندی زنان روستایی ارتباط معنی‌دار وجود دارد.

بنابراین از پنج فرضیه‌ی مطرح شده در این تحقیق، به جز ارتباط بین میزان وام دریافتی توسط زنان روستایی و سطح توان‌مندی آنان، مابقی فرضیات تأیید می‌شوند.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از جدول ۴، متغیر سطح نگرش افراد نسبت به اعتبارات با مجموع اثرات ۰/۳۹۴، بیش‌ترین تأثیرات را بر توان‌مندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان داشته است، سایر متغیرهای اثرگذار بر توان‌مندسازی زنان بر اساس میزان اثرات کل به‌ترتیب میزان نظارت نهاد پرداخت کننده‌ی اعتبار بر نحوه‌ی مصرف وام و درصد مصرف وام در فعالیت‌های توان‌مندساز، آموزش نهاد پرداخت کننده در خصوص مصرف اعتبار و مبلغ کل وام دریافتی می‌باشند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام تحقیق حاضر، شناخت عوامل تأثیرگذار بر توان‌مندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان دریافت کننده‌ی اعتبارات خرد در شهرستان نهاوند و تعیین میزان اثرات مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرها بر میزان توان‌مندی آنان می‌باشد.

بر اساس نتایج به‌دست آمده از آزمون همبستگی پیرسون، بین توان‌مندی زنان روستایی با متغیرهای سن و درآمد در سطح یک درصد (با احتمال ۹۹ درصد) مستقیم و معنی‌دار شده است. به‌عبارتی، هرچه میزان متغیرهای نام‌برده بیش‌تر شود، توان‌مندی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی نیز بیش‌تر می‌شود. (Tofighianfar et al., 2016) بر این باورند که با افزایش سن از توان‌مندسازی زنان کاسته می‌شود، اما شاید دلیل این نتیجه این باشد که هرچه سن زنان روستایی دریافت‌کننده‌ی اعتبار بیش‌تر باشد، تجربه‌ی بیش‌تری در زمینه‌ی مشاغل و فعالیت‌هایی که در روستاها زمینه‌ی انجام و موفقیت آن وجود دارد؛ مانند فعالیت‌هایی از قبیل کشاورزی، دامداری و غیره بیش‌تر است و احتمال صرف شدن اعتبارات دریافتی در فعالیت‌های گوناگون که سبب افزایش درآمد و در نتیجه توان‌مندسازی زنان را در پی دارد، افزایش می‌یابد. از این‌رو پیشنهاد می‌گردد که با توجه به تحصیلات و تخصص افراد متقاضی مبلغ اعتبار را متناسب با مقدار هزینه‌ای که برای شروع فعالیت هم‌راستا با تخصص فرد متقاضی نیاز است، بالا برده تا فرد اعتبار دریافتی را در فعالیت مولد و در جهت ایجاد شغل درآمدزا و پایدار مصرف کند. از طرفی دیگر، رابطه‌ی بین توان‌مندی زنان روستایی با تعداد افراد خانوار، هیچ رابطه‌ای مشاهده نشد. هم‌چنین بر اساس نتایج به‌دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین توان‌مندی اقتصادی و اجتماعی زنان با میزان سواد زنان روستایی در سطح یک درصد معکوس و معنی‌دار شده است. عکس این نتیجه توسط (Afshani & Fatahi, 2016) نیز به تأیید رسیده است. به‌عبارتی، هر چه میزان سواد زنان روستایی بیش‌تر شود، از توان‌مندی زنان روستایی کاسته می‌شود. شاید دلیل این مسأله را بتوان این‌گونه بیان کرد که چون مبلغ این اعتبارات کم بوده است، لذا افراد تحصیل‌کرده نتوانسته‌اند این اعتبارات را در فعالیت یا شغل متناسب با تحصیل و موقعیت خود به‌کار گیرند و در نتیجه این اعتبارات در مسیری غیر از شروع فعالیتی که منجر به توان‌مندی آنان می‌شود صرف شده که احتمال مقروض شدن آنان و ناتوانی در پرداخت اقساط و در نتیجه‌ی ناتوان‌مندی زنان روستایی در این مورد وجود دارد.

هم‌چنین بر اساس نتایج به‌دست آمده از تحلیل مسیر، سطح نگرش افراد نسبت به اعتبارات، بیش‌ترین تأثیر را بر توان‌مندی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی دارد. این نتیجه با نتیجه‌ی تحقیق (Ketabi et al., 2003) مطابقت دارد. شاید بتوان این نتیجه را این‌گونه تحلیل کرد که نگرش و ذهنیت افراد در خصوص اعتبارات دریافتی به مرور در افراد باور و اعتقادی را به‌وجود می‌آورد که تصمیمات افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌طور مثال اگر متقاضیان دریافت وام این اعتقاد و تفکر را در مورد وام دریافتی داشته باشند که با دریافت این اعتبار می‌توانند فعالیتی را شروع کنند، همین ذهنیت در فرد منجر می‌شود که این اعتبار را در راستای ذهنیت و هدف خود صرف کند. هم‌چنین اگر فرد با این ذهنیت که اعتبارات دریافتی دردی از وی دوا

نمی‌کند اقدام به دریافت وام کند، نمی‌تواند اعتبار دریافتی را در فعالیت تولیدی و یا ایجاد شغلی پایدار صرف کند.

هم‌چنین با توجه به نتایج به‌دست آمده، میزان نظارت نهاد پرداخت‌کننده اعتبار بر توان‌مندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی تأثیر زیادی دارد. شاید بتوان دلیل این نتیجه را در این مسأله دانست که اعتبارات پرداختی در صورتی منجر به توان‌مندی زنان روستایی می‌شود که در زمینه‌ی ایجاد اشتغال پایدار برای زنان روستایی دریافت‌کننده اعتبار مصرف شود. یکی از سیاست‌های هدایت این اعتبارات به سمت مصرف در زمینه‌های توان‌مندسازی نظارت نهادها و سازمان‌های پرداخت‌کننده بر نحوه‌ی مصرف و به‌کارگیری این اعتبارات توسط دریافت‌کنندگان می‌باشد. هر چه نظارت نهادهای پرداخت‌کننده بر مراحل مصرف و به‌کارگیری اعتبارات بیش‌تر باشد، احتمال صرف شدن اعتبار پرداختی در زمینه‌های غیرتوان‌مندسازی که در نهایت مقروض شدن و ناتوان‌مندشدن زنان را در پی دارد کمتر شده و در نتیجه این اعتبارات در مسیر تعیین شده توسط سازمان و نهاد پرداخت‌کننده صرف می‌گردد. این نتیجه با نتایج به‌دست آمده از پژوهش (Felming, 2000)؛ (Ghadiri Masoom & Ahmadi)؛ (Charmchian Langroudi & Ali Beigi,)؛ (2013)؛ (Favaedi et al., 2011) و (Gholipour, A. & Rahimian, 2009) هم‌خوانی داشت. در این زمینه این پیشنهاد ارائه می‌شود: ۱- پرداخت اعتبارات به صورت مرحله‌ای و ارائه‌ی مبلغ مشخص در هر دوره به زنان روستایی دریافت‌کننده اعتبار و ۲- انجام بازدید به صورت دوره‌ای از مراحل انجام فعالیت توسط نهادهای پرداخت‌کننده اعتبار.

هم‌چنین بر اساس نتایج به‌دست آمده، آموزش توسط نهاد پرداخت‌کننده اعتبار در خصوص فعالیت‌های توان‌مندسازی بر توان‌مندسازی زنان روستایی تأثیر دارد. این نتیجه با یافته‌های مطالعات (Tofighianfar et al., 2016)؛ (Afshani & Fatahi, 2016) و (Charmchian Langroudi & Ali Beigi, 2013) هم‌خوانی دارد. شاید دلیل این مسأله را بتوان در این دانست که با توجه به این‌که عمدتاً زنان روستایی دارای سواد کم می‌باشند و شناخت آنان در زمینه‌ی شغل‌های پایدار و درآمدزا کم است، ارائه‌ی آموزش توسط نهادهای پرداخت‌کننده اعتبار می‌تواند در شناخت هر چه بیش‌تر این مشاغل به متقاضیان مؤثر باشد. با برگزاری کلاس‌های آموزشی توسط نهاد پرداخت‌کننده اعتبار و بالا رفتن شناخت زنان روستایی نسبت به مشاغل جدید و پردرآمد این اعتبارات در مسیر توان‌مندسازی زنان روستایی قرار می‌گیرد. در این زمینه نیز برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی در خصوص معرفی کسب و کارهای درآمدزا و پایدار به متقاضیان دریافت اعتبارات خرد از سوی نهادهای پرداخت‌کننده اعتبار و یا سازمان‌های مرتبط و برگزاری دوره‌های آموزشی مدیریت کسب و کار و بازاریابی پیشنهاد می‌شود.

انجام تحقیق حاضر همانند بسیاری از پژوهش‌های حوزه‌ی مسائل اجتماعی زنان دارای محدودیت‌های خاصی بود. معمولاً در این گونه تحقیقات، دسترسی به جامعه‌ی آماری یعنی زنان و به‌ویژه زنان روستایی به سادگی میسر نیست و محققین با مشکلاتی مواجه خواهند شد. در همین راستا و جهت کاهش تأثیر این مشکل بر نتایج تحقیق، پیشنهاد می‌گردد هنگام تحقیق در جوامع زنان و به خصوص زنان روستایی، حداقل یک نفر از اعضای تیم تحقیق، خانم باشد. همچنین همکاری ضعیف برخی از زنان در گردآوری داده‌ها از دیگر محدودیت‌های این تحقیق بود که دلیل آن پایین بودن سطح سواد برخی از زنان و نیز عدم اعتماد آنان نسبت به دادن اطلاعات در خصوص وام‌های گرفته شده بود.

با توجه به تحقیق انجام شده و با عنایت به این نکته که شناسایی راهکارهای توانمندسازی زنان، نقش مهمی در توانمندسازی آنان دارد، پیشنهاد می‌شود تا محققین دیگر تحقیقاتی را در زمینه راهکارهای مؤثر بر توان‌مندسازی اقتصادی و اجتماعی زنان دریافت‌کننده‌ی اعتبارات خرد و همچنین شناسایی سازوکارهای اثربخش اعتبارات خرد در توانمندسازی زنان انجام دهند.

References

- Afshani, A. R., & Fatehi, A. (2016). "Empowerment of women head of households and related socio-cultural Factors: Study of women under cover of Imam Khomeini Relief Committee", Tabriz City, Women and Society, Vol 7, No.3, pp. 38-19. (Persian).
- Alsop, R., Frost. M. and Jeremy. B. (2005). "Empowerment in practice from analysis to implementation. South Asia Environment and Social Unit". World Bank, Washington, DC.
- Ashburn, K & Warner, A. (2010). "Can Economic Empowerment Reduce Vulnerability of Girls and Young Women to HIV?" International Center for Research on Women, p75.
- Assad, M & Bruce, J (1997). "Empowering the next generation: Girls of the Maqattam Garbage Settlement". Population Council. 19.
- Azkia, M., & Imani, A. (2005). "The role of micro-credit in empowerment and employment of released prisoners, Rural Development Conference and Poverty Reduction", Agricultural Bank, Tehran. (Persian).
- Charmchian Langroudi, M. & Ali Beigi, A. H. (2013). "Factors affecting the psychological empowerment of rural women", Women and Society, Vol 4, No. 1, pp 191-165. (Persian).
- Charmchian Langrodi M. (2013). "An investigation of factors affecting the farmers' empowerment in Mazandaran province", Iran. International Research Journal of Applied and Basic Sciences (IRJABS). 4(4): 947-952.
- Deininger K., & Liu, Y. (2013). "Economic and social impacts of an innovative self-Help group model in India". World Development, 43 (March2013), 149-163.

- Dimitriades Z. & Kufida S. (2009). "Individual, Job, Organizational and Contextual Correlates of Employment Empowerment: Some Greek Evidence, *EJBO Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies*, Vol.9, No. 2, p 32-48.
- Elycher, J. (2010). "Public Labor, poor Theory and Revisiting Empowerment in Cairo" *Critical Theory Institute, UCI*, 2010, p 119.
- Emadi, M. (2005). "The role of microfinance in accelerating the rural development process: comparing two perspectives", *Rural Development Conference and Poverty Reduction, Agricultural Bank, Tehran*. (Persian).
- Evans, E.N. (2010). "Liberation Theology, Empowerment Theory and Social Work with the Oppressed. *International Social Work* "pp, 234-235.
- Favaedi, F., Chahar Soghi A., & H. Alipour, H. (2011). "Factors Affecting the Success of the Rural Women's Microfinance Fund: A Case Study of Corrosive Proceedings", *Rural Development*, 14 (4), 65-49. (Persian).
- Ghadiri Masoom, M., & Ahmadi, A. (2015). "Effective Structures on the Success of Microfinance Funds in the Economic Empowerment of Rural Women in Firoozkooch City", *Human Geography Research*, Volume 11, Volume 47, Issue 4, pp. 759-772. (Persian).
- Ghodsiyan, H., Mallammadi, M., & Shah Hassani, Z. (2014). "The Effect of Technical and Vocational Education on the Empowerment of Women", *Teaching Skills*", Vol 3, No. 11. (Persian).
- Gholipour, A. and Rahimian, A. (2009). "Relationship between economic, cultural and educational factors with women's empowerment of female-headed households". *Journal of Social Welfare*. 11(40): 29-62. (Persian).
- Gholmohammadi, F. (2010). "Employment and Capacity Building of Rural Women", *Entrepreneurship*, No. 14, pp. 118-107. (Persian).
- Hennink, M., Kiiti, N., Pillinger, M., & Jayakaran, R. (2012). *Defining empowerment: perspectives from international development organisations. Development in Practice*, 22(2), 202-215.
- Heidari Sarban, V., & Bakhtar, S., & Talei Hoor, V. (2016). "Evaluation and Impact of Social Capital Components on the Empowerment of Rural Women Case Study: Shiyan District, Islamabad, West", *Women and Society*, Vol 7, No. 4, pp 50-27. (Persian).
- Kaldi, A., & Salahshori, P. (2012). "The Impact of Social Protection on Women's Empowerment", *Social Development Studies*, Vol. 4, No. 4, pp 7-22. (Persian).
- Ketebi, M., Yazdkhashti, B., Farrokhi Rastabi, Z. (2003). "Women's Empowerment for Participation in Development", *Women's Research*. Volume 1, Issue 7, Pages 5-30. (Persian).
- Khan, A. R. & Bibi, Z. (2011). "WOMEN'S SOCIO-ECONOMIC EMPOWERMENT THROUGH PARTICIPATORY". *Pakistan Economic and Social Review*, Volume 49, No. 1, 133-148.
- Khan, R. E. A., & Noreen, S. (2012). "Microfinance and women empowerment: A case study of District Bahawalpur (Pakistan)". *African Journal of Business Management*, 6(12), 4514-4521.

- Malhatra A., p. (2002). "Measuring Women's Empowerment as a Variable I International Development", World Bank Workshop on Poverty and Gender, june.
- Manikonda, R. (2014). "Self-Help Group Programmed: Level of Women Empowerment in Andhra Pradesh". EUROPEAN ACADEMIC RESEARCH Vol. II, Issue 7/ October 2014.
- Mara, J. G. and Jani S. L. (2014). "Innovative Grassroots NGOS and the Complex Processes of Women's Empowerment: An Empirical Investigation from Northern Tanzania", World Development, Vol. 66, pp. 762-777, 2015 0305-750X/_ 2014 Elsevier Ltd. All rights reserved.
- Moazzami, M. & Rahimi, A. (2005). "Study on the Coverage and Sustainability of Microfinance Schemes, Case Study, Microfinance Fund for Rural Women". Tehran: Rural Research Center and Office of Women's Affairs of the Ministry of Jihad- e-Agriculture.
- Rahman, Huma., M, Amin: A,N. (2015), "Role of Microfinance Institutions in Women Empowerment: A Case Study of Akhuwat, Pakistan", A Research Journal of South Asian Studies, Vol. 30, No.1, January – June 2015, pp. 107 – 125
- Rani, M.S., Das, B. & Trupti, M. (2013). Empowerment of Women in Rural Odisha through Microenterprises. IOSR Journal of Humanities and Social Science (IOSR-JHSS), Volume 12, Issue 1 (May- Jun. 2013). PP 01-08.
- Rehman, H., Moazzam, A., Ansari. N. (2015). Role of Microfinance Institutions in Women Empowerment: A Case Study of Akhuwat, Pakistan. South Asian Studies, Vol 30, No 1, 107-125.
- Riahi, B. (2006). "Human Empowerment: A task or a necessity". Journal of Development and industry. 27: 10-16. (PERSIAN)
- Rifkin, S. B. (2003). "A framework linking community empowerment and health equity: It is matter of choice", Journal of Health Population Nutrition. 21:168-180.
- Roling, N. G. and Engel, P. G. H. (1992). "The development of the concept of agricultural knowledge and information systems (AKIS): Implications for extension", Elsevier Sci. Publ., Amsterdam (1992) Ch. 12, 125-139.
- Shadi Talab J. (2002). Development and Challenges of Women in Iran, Tehran, Ghatreh Publishing. (Persian).
- Shadlou, S. (2000). "The role of culture in balancing gender attitudes toward women's empowerment, with emphasis on international document", The first Conference on women's empowerment. Tehran, Iran. (Persian).
- Shakouri, A., Rafat Jah, M., Jafari, M. (2007). "Women's Empowerment Components and the Factors Affecting them," Women's Research, Vol 5, No. 1, p. 1-7. (Persian).
- Sinha, B., Jha, S., & Negi, N. S. (2012). Migration and empowerment: the experience of women in households in India where migration of a husband has occurred. Journal of Gender Studies, 21(1), 61-76
- Spritzers, G.M. (1995), "Psychological Empowerment in the Workplace: Construct Definition, Measurement and Validation", Academy of Management Journal, Vol. 38, No. 5, Pp. 1442-1465.

-
- Swain, R.B. (2007). Can Microfinance Empower Women? Self-Help Groups in India. *Asia and Development* ADA Dialogue.
- Tofighianfar, A. H, Azizi, J., Saifouri B., Behjati Asl, F., & Ghayed Givi, F. (2016). "Investigating the relationship between self-sufficiency schemes of Imam Khomeini Relief Committee and the empowerment of women headed households (Case study: Kohkilouyeh and Boyer Ahmad province)", *Women and Society*, Vol 7, No. 2, summer of 1395, pp. 114-89. (Persian).
- Weber, O., & Ahmad, A. (2014). "Empowerment through microfinance: The relation between loan cycle and level of empowerment", *World Development*, 62, 75-87.
- World Bank (2003). "Global Economic Prospects and the Developing Countries 2003", table 1.9, 118 p.
- Veltmeyer, h., (2010). *The Poverty Report Ideas, Policies and Pathways*, Development Forum, Canadian Association for the Study of International Development.
- zamany Myandshty, N., Atai, P. and Izadi, N. (2012). "Reviews the levels of empowerment among the rural womens cooperative (case study: Womens Cooperative Tfyhan city of Shiraz)", *Women in development and Policy*, Volume 10 Number 4 Winter 1391:172-153. (Persian).
- Ziaei, M., S., Nargsian, A., & Abyaghi Isfahani, S. (2008). "The Role of Spiritual Leadership in Empowerment of the Staff of Tehran University", *Public Administration*, No. 1, autumn and winter 87, pp. 67-86. (Persian).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی